

اصل چهار و تغییر اجتماعی در ایران (معرفی و نقد کتاب «بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن»)

*محمود مهام^۱

۱- استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

حکیده

تغییرات اجتماعی برون‌زا و نوین در ایران علیرغم سابقه طولانی مورد توجه جدی قرار نگرفته‌اند. از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی برون‌زا پیش از انقلاب اسلامی، نوع ارتباطات خارجی خصوصاً با ایالات متحده آمریکا بوده است. تأثیر این رابطه عمدتاً در حوزه‌های سیاسی و نظامی مدنظر قرار گرفته و از سایر حوزه‌های مهم و اساسی نظیر اقتصاد و فرهنگ غفلت شده است. هدف این مقاله بازخوانی انتقادی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن در ایران می‌باشد که در کتابی با همین نام انتشار یافته است. هدف‌گیری اساسی اصل چهار بر روستاها به عنوان کانون‌های «کار و تولید» و «همکاری» بود و توسعه را در چارچوب «مصرف» به عنوان هنجار اجتماعی و «رفاه» به مثابه ایدئولوژی سیاسی تعریف می‌کرد. در این مدل توسعه می‌بایستی کانون‌های مولد به کانون‌های مصرف تبدیل شوند و شهرهای مصرفی نماد توسعه‌یافتگی محسوب می‌گردند. کتاب «بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن» تنها اثر انتشار یافته در این زمینه است که کالبدشکافی مناسبی از ماهیت و فرایند اصل چهار در ایران ارائه داده اما به نتایج و تأثیرات پایدار این طراحی تغییر اجتماعی در ایران کمتر توجه داشته است. با این وجود می‌تواند در طراحی الگوی تغییرات اجتماعی در ایران به کار آید.

تاریخ دریافت: ۲۲ دی ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش: ۸ مرداد ۱۳۹۶

کلیدواژه‌ها:

اصل چهار ترومن، تغییر برون‌زا، الگوی تغییر اجتماعی، روستا، جامعه ایران

ایران اساساً جامعه‌ای روستایی است و آینده آن را باید آینده روستاییان این کشور دانست. (تاس. اچ. مک لئو)

مقدمه

دموکراسی لیبرال (Rush, 1998) را می‌طلبید. این تصور تک خطی از نوسازی سیاسی از تصور نژادمحورانه در دگرگونی اجتماعی ناشی می‌شود که خود این فرض را پیش می‌آورد که رژیم سیاسی حاصل در جوامع غربی به عنوان طبیعی‌ترین و قوی‌ترین رژیم نهایتاً بر تمامی نقاط جهان سایه خواهد افکند. این تز به دو نتیجه منازعه‌آمیز ره می‌گشاید. اول آن که پدیده اقتدارگرایی چونان مقدمه‌ای ضروری برای دموکراسی لیبرال معرفی و به درکی سطحی و ساده‌لوحانه از مهم‌ترین مسائل علم سیاست بسنده می‌شود. دیگر آن که استعمار هم به عنوان مرحله‌ای مناسب برای نشر فرهنگ والاتر و در نتیجه کمکی ارزشمند برای نوسازی سیاسی در جهان سوم مشروعیت پیدا می‌کند (Badie, 1997). به بیان دیگر، جوامع غیر غربی به مثابه‌ی «دیگری» غرب مورد مطالعه قرار گرفتند. دیگری‌ای که طبق قاعده‌ی رقابت - برگرفته از تنازع بقاء و تسری آن به حوزه‌ی نظام اجتماعی - می‌بایستی

با شکل‌گیری واحدهای سیاسی نوین و تشکیل دولت - ملت، «حاکمیت، حصارى نفوذ ناپذیر بین دو حوزه‌ی داخلی و بین‌المللی» (Seif Zadeh, 2000) تعریف شد. دولت مطلقه جدید (مدرن) بر اساس تعریفی از «سیاست» شکل گرفت که موافق این نظر بود: سازمانی که مسئول کار سیاسی است، هر چه باشد، باید از امتیاز دسترسی به وسایل لازم برای اعمال جبر جسمانی برخوردار باشد (Pojay, 1998). جالب آنکه علیرغم تضاد تعریف‌های دیوید ایستون و کارل اشمیت به عنوان دو گونه‌ی فراگیر در تعریف سیاست، در ضرورت اجبار توسط دولت مطلقه توافق دارند. ترسیم چنین جایگاهی برای دولت مدرن و مشروعیت بخشی به انحصار و خشونت آن، هموارسازی فرآیندی در عرصه اجتماعی بود که از آن با عنوان ملت سازی یاد شده است. فرآیندی که با عنوان توسعه سیاسی، «پیشرفت در جهت

* نویسنده مسئول:

دکتر محمود مهام

نشانی: تهران - خیابان شهید بهشتی - خیابان شهید احمد قصبیر (بخارست سابق) - کوچه پژوهشگاه - پلاک ۲ - پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

تلفن: ۸۸۷۴۲۷۸۹ (۰۲۱) +۹۸

پست الکترونیکی: maham812002@yahoo.com

می‌دانستند. امروزه نیز غالباً در تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی در ایران فرآیند مساله‌یابی و شناسایی عوامل گوناگون و ایجاد کننده‌ی تغییرات اجتماعی تحت‌الشعاع سیاست و دولت قرار می‌گیرد. در نتیجه، تحلیل مواجهه‌های سیاسی جایگزین تحلیل‌های اجتماعی می‌گردد. از بارزترین مصادیق قابل ذکر، ناشناخته ماندن برنامه‌های طولانی‌مدت و اجراهای مستقیم و غیرمستقیم اصل چهار و تحمیل مدل آمریکایی توسعه بر کشورهای نظیر ایران در ادبیات علوم اجتماعی ایران است.

تحول در ساختار جامعه روستایی و عشایری هر دو از یک فرض سرچشمه می‌گرفت: سرکوب نیروهای معارض و مرکز‌گریز در خدمت ایجاد یک دولت و حکومت قدرتمند و متمرکز بر مبنای عقلانی و منطقی بر اساس نظام اداری (Qlfy, 2000) باید قرار بگیرند. سابقه‌ی استبدادی دولت در ایران که فاقد زمینه و پایگاه اجتماعی بود به‌علاوه‌ی تجویز ضرورت شکل‌گیری دولت استبدادی برای تحقق نوسازی در کشورهای نظیر ایران که هیچ تناسبی با فرهنگ و تاریخ اجتماعی آن نداشت، عملاً وابستگی هویتی و ساختاری دولت مدرن در ایران را به قدرت‌های استعماری در حالی بسترسازی می‌کرد که آمریکا برنامه‌های درازمدت، همه‌جانبه و عمیقی را برای ایجاد دگرگونی و تغییر در بافت و ساختار جامعه ایرانی تدارک دیده بود. تغییری که به لحاظ مصداق ناظر بر تغییرات بنیادین روستا و فرهنگ روستایی در ایران بود و اصل چهار ترومن نام داشت و هنوز در مطالعات اجتماعی ایران و بازخوانی الگوهای تغییر اجتماعی در ایران مورد توجه جدی قرار نگرفته است و اثری که در این مقاله نقد می‌شود تنها اثر تحلیلی انتشار یافته در معرفی ماهیت و فرایند اصل چهار به عنوان الگوی تغییر اجتماعی برون‌زا در ایران می‌باشد.

معرفی اثر

تحقیق خانم همراز با عنوان اصلی «بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن» و عنوان فرعی (هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران) در سال ۱۳۸۱ و تیراژ ۱۰۰۰ نسخه در ۲۳۸ صفحه و مشتمل بر چهار فصل، توسط مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه انتشار یافته است. علیرغم گذشت پانزده سال از انتشار آن و تیراژ پایین، هنوز چاپ دوم انجام نشده است. عدم اقبال جامعه علمی کشور به این اثر، نشانه فقدان پرسش از چگونگی فعالیت استعمارگران خصوصاً آمریکا در ایران و ساده‌انگاری طراحی‌های آنان می‌باشد. فعالیت‌های پیوسته‌ای که حدود دو دهه توسط آمریکا به صورت مستقیم و پس از آن توسط دولت شبه مدرن پهلوی با جدیت تمام دنبال می‌شد. ناتوانی در

مورد تهاجم قرار گرفته و از بین برود. در واقع، «سیاست در مفهوم رقابت بر سر قدرت سیاسی» (Toheidfam, 2002) در حوزه‌ی ملی و «رقابت به صورت جنگ صنعتی» (Hunt, 1980) در سطح جهانی، تصویرگر و توضیح دهنده‌ی نوع ارتباطات و مبادلات سیاسی در دوره‌ی مدرن می‌باشد. رونق مردم‌شناسی سیاسی و «سرآمدی مردم‌شناسی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در دوره‌ی امپراتوری‌های استعماری» (Qavam, 2010) و تولید ادبیات استعماری که نشان دهنده‌ی باز نمود دیگری غرب- نظیر این که استعمارگران سخت‌کوش‌اند، بومی‌ها تنبل‌اند- (Sardar, 2009) می‌باشد، در همین راستا قابل فهم و هضم است. «اندیشه‌های ایدئولوژیک و انتزاعی به واسطه‌ی باز نمود شکلی ملموس می‌یابند، مانند، ایده‌ی نشانه‌ی «هندی» (افراد بزدل و غیرقابل اعتماد) در ادبیات استعماری (Sardar, 2009) و علم شرق‌شناسی به عنوان علم سیاست میل که امیال غریبان را در رشته‌های آکادمیک مدون می‌سازد (Sardar, 2008). به این ترتیب، نظریه تکامل فرهنگ به عنوان نظریه کلاسیک تغییر فرهنگ، ابزارهای نظری و پشتوانه‌های تئوریک مورد نیاز قدرت‌های استعماری را فراهم ساخت زیرا «تعمیم نظریه عمومی تکامل بر پدیده‌های فرهنگی است» (Azad, 2008). با شکل‌گیری یک طبقه‌بندی نامناسب و همراه کننده یعنی طبقه‌بندی جوامع جهان به سنتی و صنعتی به نحوی که تلویحاً سنت را در برابر صنعت و سنتی را در برابر صنعتی قرار می‌دهد (Farhadi, 1997)، فرهنگ نادیده گرفته شد، خصوصاً با القاء این توهم درباره سنت که هرگز درباره آن اندیشه نشده و ما آن را همان گونه انجام می‌دهیم که همیشه انجام شده است (Rush, 1998). به این ترتیب عملاً دانش بومی به مثابه‌ی سنگ بنای پیشرفت واقعی فاقد موضوعیت گردید و حاملان این دانش که همانا عشایر و روستاییان بودند و هسته‌ی اصلی «فرهنگ کار» و «فرهنگ تولیدی» را شکل داده و زنده نگه داشتند به عنوان بی‌سوادان و افراد «کوچک اندیش» (Almond, 2002) معرفی گردیدند. پیامد این وضعیت بحرانی، در برنامه‌ریزی توسعه در ایران و ایجاد تغییرات بنیادین در طراحی تغییرات اجتماعی آشکار گردید که نهایتاً منجر به شکل‌گیری تغییرات اجتماعی برون‌زا در ایران شد.

در میان کشورهای که در اوایل قرن بیستم آن‌ها را «قدرت‌های بزرگ» می‌نامیدند نوعی سرنوشت باوری وجود داشت که نیرومندترها به ضعیفان حمله می‌برند و غنیمت را میان خود تقسیم می‌کنند (Grenville, 1998). در پایان جنگ جهانی دوم رهبران آمریکا خواستار تغییر شکل جهان بودند (Ambrose, 1989). یکی از مهم‌ترین طرح‌هایی که در این زمینه ارائه شد، طرح هری ترومن، رئیس‌جمهور آمریکا با نام اصل چهار بود که مدت ۱۷ سال در ایران به مرحله اجرا گذاشته شد. ایرانی که از سال‌ها قبل سیاست‌مدارانش اصلاحات را در تقویت و تضمین وابستگی جستجو می‌کردند و تغییرات اجتماعی را نه برگرفته از فرهنگ و دانش بومی بلکه اجرای فرمان‌ها استعمارگران

حالی اتفاق افتاد که «وی سرانجام [علیرغم مخالفت اولیه] در آوریل ۱۹۵۲ طی نامه‌ای نوشت: با توجه به وضعیت مالی و اقتصادی دولت ایران از هر نوع حمایتی که از طرف آمریکا انجام شود استقبال می‌کند (۶۹) با این وجود، در نامه‌ای که از وزیر امور خارجه آمریکا به سفیر آن دولت در ایران نوشته شده، چنین آمده است: جانشینی مصدق توسط جانشین وابسته‌ای که تمایل به ختم غائله نفت داشته باشد و بیشترین دستور را برای کمک‌های بااهمیت به ایران بدهد می‌تواند به کمک‌های زیر منتهی شود (۷۱). تکیه مقامات آمریکایی برای اخذ معافیت‌های حقوقی و گمرکی و مالیاتی برای کارکنان آمریکایی اصل چهار با پاسخ موافق مصدق روبرو شد و وی در پاسخ درخواست وارن تصریح کرد: دولت ایران موافقت می‌نماید که برای انجام مسئولیت‌ها و وظایفی که از برنامه‌های همکاری فنی برای دولت آمریکا ناشی می‌شود، بپذیرد و دولت ایران تا آخرین حد امکان به موجب قانون اساسی و سایر قوانین موجود این هیئت مخصوص و کارمندان آن را جزء هیئت سیاسی کشورهای [ایالات] متحده آمریکا در ایران خواهد شناخت تا از مزایا و مصونیت‌هایی که به هیئت سیاسی و کارمندان آن داده می‌شود با تطبیق درجات آن‌ها برخوردار شوند (۸۸). با این اوصاف باید پرسید منظور آمریکایی‌ها از «جانشین وابسته» چه بوده است. اعتماد و همراهی‌های مصدق با آن‌ها که همسویی سیاسی-اقتصادی ایران با آمریکا را در پی داشت، کدام خطر جدی را برای آمریکایی‌ها همچنان نگه می‌داشت که آنان را وادار کرد از خوش‌نامی و اعتماد ایرانیان به آن‌ها هزینه نمایند و عملیات اژاکس را با رهبری روزولت طراحی و اجرا نمایند؟

از وقایع بسیار مهم در زمینه مشارکت سیاسی ایرانیان که مورد توجه قرار نگرفته است، «استقبال افشار متوسط و کم درآمد از انتشار بیش از دو میلیارد ریال اوراق قرضه ملی با سررسید دو ساله در بهمن ۱۳۳۰» (۶۶) برای کمک به دولت می‌باشد.^۲

کندی رئیس‌جمهور جدید در نطق خود گفت: به آن کسانی که در خرابه‌ها و روستاهای نیمی از کره زمین در پاره کردن بندهای نگون بختی توده‌ها، در مبارزه و ستیزند تعهد می‌سپاریم که بهترین و بالاترین کوشش خود را تا هر زمان که لازم است بکار بندیم تا قادر به خودیاری گردند (۷۶).

در واقع، با این نگرش به «روستا» و فریب «خودیاری»، کندی قصد داشت «راه را بر هر گونه انقلاب اجتماعی ببندد» (۷۶). به بیان دیگر، دولت شبه مدرن پهلوی و ناآشنا نسبت به جامعه ایران مورد حمایت قرار می‌گرفت و در این فرآیند تغییر اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ و تاریخ اجتماعی ایرانیان جایگاهی نداشت و کمک‌ها معطوف به تضعیف ارتباط حکومت با جامعه و تقویت انتزاع و تفکیک حاکمیت از مردم به نام تقویت خودیاری در

تولید ادبیات در این زمینه^۱ و تأخیر بیست و چهار ساله برای شناسایی و معرفی آن و عدم استقبال از همین حداقل، بی‌توجهی به گذشته و عارضه‌ی فراموشی تجارب را نشان می‌دهد. اتفاقی نیست که آینده ایران از جامعه‌ای روستایی به عنوان نقطه‌ی ثقل، به سوی شهرهای بزرگ و مصرفی تغییر جهت و مسیر می‌دهد و همین تغییر نقطه‌ی اتکا موجب می‌گردد که گفته شود: آینده ایران کنونی در گرو تحولات جامعه شهری است (Orkad, 2000).

در فصل اول با عنوان «اصل چهار چه بود و چرا ارائه شد؟» به بررسی زمینه‌های تغییر سیاست آمریکا از انزوایی و دکترین مونروئه به سیاست مداخله و پیشنهاد طرح اصل چهار پرداخته شده است. آنچه پس از جنگ در چارچوب طرح‌های کمک چون طرح مارشال و اصل چهار ترومن ارائه شد در واقع پاسخ به این نیاز بود (۹-۱۱). کمک‌های فنی که کم هزینه‌ترین نوع برنامه کمک خارجی به شمار می‌آمدند و به ظاهر عامل انتقال دانش و مهارت فنی بودند، پایه اصلی برنامه‌های مشهور کمک خارجی آمریکا در سال‌های پس از جنگ در کشورهای غیر کمونیست گردید (۱۳ و ۱۴). نکته‌ی بسیار قابل تأمل، نقش‌آفرینی علوم اجتماعی در سیاست‌های توسعه‌ای می‌باشد، به گونه‌ای که ۱/۳ کمک‌های مالی که در فاصله سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۱ در امور فرهنگی بین‌المللی صرف شدند به پیشبرد علوم اجتماعی و بهبود زندگی مردم در کشورهای مختلف اختصاص داشت (۱۸ و ۱۹). به این ترتیب، نیمی از مسلط علوم اجتماعی در غرب، اگر در هم‌نوازی و هم‌گرایی همه‌جانبه با منافع اقتصادی و قدرت سیاسی نباشد، حداقل غالباً در پیوستگی دقیق با آن است (Farhadi, 2009). غفلت جامعه‌شناسی از روستا در ایران و بی‌توجهی جامعه‌شناسی روستایی به اصل چهار ترومن در ایران از همین منظر قابل تحلیل است. هدف دکترین ترومن آن بود که «راه را بر هر انقلابی سد کند» (۲۷).

در فصل دوم با عنوان «اصل چهار در ایران» به علل توجه آمریکا به ایران برای اعطای کمک‌های فنی و ساختار درونی و تشکیلات اصل چهار در ایران پرداخته شده است. فعالیت اصلی کارشناسان آمریکایی وابسته به اصل چهار که تحت عنوان «هیئت همکاری اقتصادی آمریکا» به ایران آمدند مصادف با بروز تحولات سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای بود که بر اثر بحران نفتی میان ایران و انگلستان پدید آمده بود (۶۲-۶۰). هرچه امکان توافق میان ایران و انگلستان کمتر می‌شد به نگرانی ترومن از فراگیر شدن ایده‌ی ملی شدن نفت در کشورهای دیگر افزوده می‌شد (۶۳ و ۶۴). تصمیم و اقدام به سرنگونی دکتر مصدق در

۱- به عنوان نمونه بنگرید به مقاله «اصل چهار ترومن در ایران» که شش سال بعد از انتشار کتاب خانم همراز نوشته شده و حتی معرفی دقیقی از کتاب ایشان انجام نداده است. ناگفته نماند که بر اساس جستجوی نگارنده هیچ تلاش دیگری نیز در موضوع اصل چهار که به تحلیل و عملکرد آن در ایران پرداخته باشد، به نتیجه نرسیده است هر چند در سال ۱۳۸۲، اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران در دو جلد منتشر گردیده است.

۲- گفتنی است طرح پرسش توسط مرتضی فرهادی در گفت‌وگوی نویسنده با ایشان صورت گرفته است.

۳- برای توضیح دگرگاری بین ناهمپایگان بنگرید به: Farhadi, 2009.

یک میلیارد مردم کشورهای توسعه‌نیافته را به بالا بردن تولید استخراج هر چه بیشتر مواد خام [و مصرف اعطش فزاینده برای در اختیار داشتن تولیدات ناشی از فراوری و پردازش منابع خام ما توسط غربیان از طریق پرداخت پول، نه کار] وادار کنیم و به حفظ و ازدیاد رشد مناطق صنعتی جهان هم ادامه دهیم، زیرا این دو مسأله با یکدیگر رابطه تنگاتنگ دارند (۱۱۵). تغییر فرهنگ جامعه ایران به سوی فرهنگ مصرفی یک هدف اساسی بوده است. به طور کلی اصل چهار در چند محور فعالیت کشاورزی خود را متمرکز کرده بود: (۱) آموزش کشاورزی (۲) دامپروری و اصلاح نژاد دام و طیور (۳) ترویج کشاورزی (۴) آبیاری روستایی (۵) اصلاح بذر (۶) سم‌پاشی و دفع آفات گیاهی (۷) توسعه ابزار و ادوات ماشینی (۱۲۶). با توجه به جهت‌گیری برنامه آمریکایی در اصل چهار می‌توان دریافت که کشاورزی و دامداری در ایران اولاً، از حوزه فعالیت‌های سنتی، بومی و روستایی خارج ثانیاً، یکی از عرصه‌های تضمین‌کننده بازگشت سرمایه‌ی هزینه شده آمریکاییان برای اجرای اصل چهار در ایران، آمریکا و ثالثاً، از همه مهم‌تر عرصه‌ی استراتژیک برای ایجاد تغییرات فرهنگی و شیوه زندگی ایرانیان بوده است.

در فصل چهارم «بازتاب حضور اصل چهار در ایران» به صورت گذرا مورد بررسی قرار گرفته است. اولین مخالفت‌ها با اصل چهار در آبان ۱۳۲۹ در جلسه ۴۵ مجلس سنا از سوی سناتور باقر کاظمی ابراز شد. دکتر متین دفتری هم در جلسه ۱۷۵ سنا به تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۲ سه سؤال درباره اعتبارات اصل چهار و علت خرید چهارپایان از قبرس را مطرح کرد (۱۷۲ و ۱۷۳). شاید بتوان گفت جامعه ایرانی پیش از کودتا در شناخت این پدیده جدید فاقد بینش و قدرت تحلیل صحیح وقایع بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولت وقت به کمک‌های آمریکا به‌ویژه اصل چهار با دیده‌ی مثبت‌تری می‌نگریست. در جامعه‌ای که روزبه‌روز بیشتر به الگوهای اقتصادی، اداری، فرهنگی و سیاسی آمریکا وابسته می‌شد ابراز مخالفت با چنین طرح‌هایی بسیار نادر و دشوار می‌نمود (۱۷۹ و ۱۸۰). توجه به این نکته که اصل چهار علاوه بر کارکنان آمریکایی خود با عده‌ای از ایرانیان در قالب روابط اداری و اجتماعی رابطه برقرار کرده بود، اهمیت بسیار دارد. به این ترتیب، یک گروه نخبه‌ی فنی، اداری و بومی پدید می‌آمد که با توجه به میزان حقوق و دستمزد و بهره‌گیری از تسهیلات اداری و آموزشی از دیگران متمایز بودند. تأثیر واقعی این بخش از فعالیت اصل چهار بر حسب اعداد و یا دلار قابل سنجش نبود بلکه تأثیری فرهنگی بود که در افزایش گرایش به الگوهای اداری و اجتماعی آمریکا در کشور تأثیر می‌نهاد (۱۸۷).

نکات محتوایی

پیش از هر چیزی باید به تلاش نویسنده کتاب در به سرانجام رسیدن این تحقیق اشاره کرد. هر چند بی‌پیشینگی تحقیق در این زمینه در ایران از مشکلات جدی این کار بوده است ولی

میان مردم بود. «هنگامی که در ۳۰ نوامبر ۱۹۶۷/۹ آذر ۱۳۴۶ فعالیت اداره‌های کمک خارجی در ایران پایان یافت، به ظاهر اعلام گردید که ایران یک کشور توسعه‌یافته است اما باید توجه داشت که این به معنای پایان کمک‌های بلاعوض آمریکا و شروع دوره سرمایه‌گذاری و معامله‌های سرسام‌آور با ایران بود و روند وابستگی ایران به آمریکا در شکل جدید و با سرعت بیشتر ادامه یافت» (۷۷ و ۷۸).

هیچ یک از کمک‌های آمریکا به ایران پس از جنگ جهانی دوم، هم چون اصل چهار گسترده و طولانی‌مدت نبود و هیچ‌یک از طرح‌های آمریکا از چنین پراکندگی جغرافیایی، تعداد پرسنل و تنوع زمینه‌های فعالیت برخوردار نبودند. شاید به همین دلیل اصل چهار در ایران از پیچیدگی تشکیلاتی اداری خاص برخوردار بود. اصل چهار که شامل یک مقدمه و ۱۰ ماده بود، در ماده ۵ آن بر تشکیل یک کمیسیون همکاری برای اصلاحات روستایی ایرانی و آمریکایی تأکید شده بود (۸۰). باید توجه داشت که جهت‌گیری اصلی، تغییر مبنایی سازمان‌های بومی در صورت امکان و در غیر این صورت انهدام آن‌ها بوده است. آمریکا پیش از فعالیت در ایران در زمینه سازماندهی اجتماعی کار دارای تجربه‌های فراوانی مطابق با اصول سازماندهی و مدیریت علمی بود که از آن‌ها در زمینه‌های آموزشی، تعلیم امور اداری و سایر موارد در ایران استفاده می‌کرد. به عنوان مثال، «برای رسیدن به مقام رهبری، سازماندهی شرکت‌های نوین، یعنی شرکت‌های سهامی و تراست‌های بزرگ، بدون شک بسیار مهم بود. شرکت‌های سهامی و بانک‌ها به عنوان وسیله‌ای عمل کردند تا شرکت‌های گوناگون را به صورت گروه‌های مالی و گروه‌های صنعتی بزرگ، به شکل تراست‌ها و کارتل‌ها به هم مربوط سازند (Othens, 2005). نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد جهت‌گیری تلاش‌ها برای ایجاد گروه‌های مالی و سوق دادن سازمان‌ها و گروه‌های بومی به سوی اصالت بخشی و محوریت «پول» در تنظیم کلیه مناسبات و ارتباطات اجتماعی می‌باشد. پولی کردن مناسبات اجتماعی و تکیه بر «رقابت» به عنوان یگانه مکانیسم نظم اجتماعی عملاً نشان دهنده‌ی فرآیند تقدس‌زدایی و همکاری‌گریزی در عرصه‌های نظام اجتماعی می‌باشد.

در فصل سوم، «چگونگی توزیع کمک‌های اصل چهار در ایران» مورد بررسی قرار گرفته است.

یک سلسله مطالعات کاربردی در فاصله ۱۹۵۴-۱۹۵۰ برای بررسی رابطه میان رشد اقتصادی و سیاست خارجی و تأمین بازارهای مطمئن فروش و منابع اصلی تهیه مواد خام اجرا شد. در گزارشی که بنیاد راکفلر در ۱۹۵۸ منتشر کرد جنگ سرد را نتیجه ملاحظات اقتصادی دانست و اظهار کرد: غرب نیازمند کشف تمام وسایلی است که از فروپاشی اقتصادی در بسیاری از مناطق جهان آزاد جلوگیری کند. مسأله دیگر، طبیعت وابسته‌ی اقتصاد جهان سوم بود. در گزارش راکفلر آمده بود: مسأله فوری آن است که

ایران حتی خدمات مفید پرسنل اصل چهار را به فراموشی سپردند (Karbassian, 1999).

نکته قابل تأمل این است که خانم همراز علی‌رغم دقت نظر و حساسیت نسبت به ماهیت استعماری اصل چهار ترومن و توجه به جهت‌گیری اصلی و کلان برنامه‌ریزی در آن دوران، عملکرد اصل چهار را ناموفق ارزیابی کرده‌اند و ذکر تداخل‌های برنامه‌ها و تفاوت سلیقه‌ها و بحث‌های داغ تصمیم‌گیران آمریکایی را به عنوان نشانه‌های عدم هماهنگی در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه مطرح کرده‌اند. از نظر ایشان، پیچیدگی سازمان اداری مالی مرکز هدایت‌کننده کمک‌های اصل چهار و نیز تغییرات مکرر در سیاست کمک خارجی آمریکا که نتیجه تحولات سیاست جهانی بود از کارایی اکثر طرح‌ها کاست (۱۹۰). در حالی که می‌بایستی توجه داشت که تغییر برنامه‌های فوری و کوتاه‌مدت ترومن به طرح‌ها و کمک‌های بلندمدت آیزن‌هاور (۷۲) نشانه‌ی رشد در طراحی و اجرای برنامه‌های آن‌ها می‌باشد، زیرا این سؤال اساسی هیچ‌گاه در راستای منافع ملی ایرانیان تغییر نکرد: سؤال اساسی این بود که آیا کمک به گونه‌ای که آن کشورها [ایران] خواستار بودند به امنیت ملی آمریکا کمک می‌کرد یا خیر؟ (Ghaem Maghami, 2000) توضیح مک لئود در این زمینه بسیار روشن‌گر است: مشاوره فنی خارجی از آن دست کارهایی است که موفقیت‌های واقعی خود را احتمالاً در درازمدت نشان خواهد داد. مشاوره فنی خارجی اساساً در پی این نیست که تأسیسات فیزیکی ایجاد کند یا حتی طبق ادبیات جاری در زمینه‌ی کمک خارجی، «تهداسازی» کند. اگر محیط مناسب وجود نداشته باشد این دو هدف هیچ یک نمی‌توانند به طور سودمندی دوام آورند.

انتقال اندیشه‌ها و نگرش‌های نوبه جامعه‌ی میزبان بنیادی‌ترین و دشوارترین جنبه‌ی مشاوره‌ی فنی است. در جریان فرآیند جذب اندیشه‌ها، ملاحظه‌ی تغییر و تحول مفاهیم لاجرم حیرت و سرگشتگی عمیقی به همراه دارد (McLeod, 1998) و این راهبرد دقیقاً همان واقعیتی است که امروزه با نام «تبرد اطلاعاتی» از آن یاد می‌شود. نبرد اطلاعاتی در سطح استراتژیک بر این هدف استوار است که اراده‌های خصمانه حریف را با تأثیرگذاری بر معلومات و اعتقادات آن تحت کنترل درآورد (Khani, 2007). حال اگر بپرسیم تا چه اندازه معلومات و دانش بومی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی ثبت و ضبط شده است و پایدار و مؤثر مانده‌اند می‌توان عملکرد اصل چهار را مورد ارزیابی قرار داد؟ وقتی «عمده‌ترین مراکز فعالیت اصل چهار روستاها بوده‌اند» (۱۷۵) باید پرسیم فرهنگ روستایی در بلندمدت چه وضعیتی پیدا کرد؟ آیا همچنان فرهنگ کار و تولید و یاریگری را زنده نگاه داشته است؟ زیرا «حفظ روستا بدون فرهنگ روستایی بسیار دشوار خواهد بود» (Farhadi, 2009). به قول سعدی:

با این وجود، تحقیق به نحو قابل قبولی به پایان رسیده و از منابع و اسناد متنوعی - علی‌رغم پراکندگی آن‌ها - استفاده شده است. استفاده از تاریخ میلادی در کنار تاریخ شمسی نشان دهنده دقت نظر محقق در پیگیری و توضیح مسأله برای مخاطب می‌باشد، هر چند در همه موارد این موضوع رعایت نشده است. نکته مهم دیگر، توجه به درهم تنیدگی روابط اقتصادی با روابط فرهنگی و ارائه تحلیل‌هایی عمیق است که مبتنی بر شناخت محقق از پیوستگی‌های عرصه‌های فرهنگ و اقتصاد با یکدیگر و نقش‌آفرینی آن در برنامه‌های استعمارگران از یک سو و تغییرات اجتماعی از سوی دیگر می‌باشد. این در حالی است که بعضاً محققان علوم اجتماعی «با غفلت از شناخت بومی، چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه، می‌خواهند پا جای پای جوامع غربی بگذارند، [در حالی که] جوامع غربی تمام نردبان‌ها و جا پاهای خود را با خود برده‌اند، و چه بسا که تنها دام‌هایی بر سر راه بومیان ذوق‌زده به جای گذاشته باشند» (Farhadi, 1997). بر اساس نگرش‌های مسحور شده، غیرمستقل و غیربومی، اساساً یا جایی برای طرح اصل چهار باقی نمی‌گذارد و یا آن را در راستای عمران و آبادانی روستاها می‌شناساند. به بیان دیگر، معنای لغوی استعمار با حقیقت عینی آن خلط می‌شود و در تحلیل، چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که اصل چهار ترومن نتوانست موفق شود. به عنوان نمونه به تحلیل زیر در توضیح دگرگونی‌های اجتماعی در جامعه روستایی ایران توجه نمایید:

به دلیل روند تحولات و عمق دگرگونی‌های انجام شده در قرن اخیر، مشروطیت را سرآغاز دگرگونی‌های اساسی جامعه روستایی قلمداد می‌کنند. احداث و توسعه‌ی شبکه راه‌های روستایی، ایجاد مدارس روستایی، ورود ماشین‌های کشاورزی به ویژه تراکتور از دهه ۱۳۱۰، تقسیم اراضی خالصه و املاک اختصاصی و بالاخره اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰، عوامل عمده تغییرات و دگرگونی‌های جامعه روستایی ایران را تشکیل می‌دهند (Talib, 2008). تا زمان اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰، قوانین و مقررات دیگری مثل قوانین تأسیس صندوق تعاون روستایی و قانون بنگاه عمران کشور، قانون ازدیاد سهم کشاورزان از محصول و ... به تصویب رسید. از طریق برنامه اول و دوم عمرانی کشور و حتی «هیئت عملیات عمرانی آمریکا در ایران» یعنی اصل ۴، در جهت توسعه و عمران روستاها اقداماتی صورت گرفت که کمتر قرین توفیق بودند (Talib, 2008). اثر منفی این رویداد [کودتای ۲۸ مرداد] همه چیز را تحت شعاع خود قرار داد و مردم قدرشناس

۴ - یک نمونه بارز در موضوع مقاله‌ی حاضر، کتاب «گذر جامعه سنتی (نوسازی خاورمیانه)» است که نه تنها هیچ بخشی از اصل چهار ارائه نمی‌دهد بلکه در مورد دکتر مصدق می‌نویسد: او با کمک آمریکا به هر شکل مخالفت نمود (Lerner, 2004). با این وجود، مترجم کتاب «گذر جامعه سنتی» در مقدمه‌ی خود این چنین نوشته است: پیمایشی که دانیل لرنر و همکارانش انجام داده اند نوعی پژوهش میدانی دقیق است و صرف‌نظر از برخی مطالعات موردی، در بخش‌های نظری دقیق و نتایج کلی و کهنه نشدنی آن نهفته است. (Lerner, 2004)

میراث پدر خواهی علم پدر آموز

که این مال پدر خرج توان کرد به یک روز

گردد. مطالب پراکنده‌ای که در صفحات ۹۵، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۵۴ و ۱۷۱ به بعد آمده است فاقد انسجام لازم برای شکل‌گیری بحثی نظری و بومی در این زمینه می‌باشد.

در پایان باید افزود که هیچ یک از موارد مطروحه از اهمیت تحقیق انجام شده و زحمات طاقت فرسای محقق آن نمی‌کاهد. گفتنی است که پس از آن نیز تحقیقی به انجام نرسیده است، هر چند در سال ۱۳۸۲ یعنی یک سال پس از انتشار اثر مورد بررسی، اسنادی از اصل چهار ترومن (۱۳۴۶-۱۳۲۵) توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دو جلد منتشر گردید.

نکات شکلی

علیرغم اهمیت ثانوی ایرادات شکلی نسبت به محتوا، چنانچه فراوانی بالایی داشته باشند، می‌توانند محتوا را تحت تأثیر قرار دهند. در مجموع، شش ایراد شکلی را می‌توان در مورد این اثر مطرح کرد:

(۱) اکثر جداول فاقد شماره‌گذاری هستند و فهرست جداول و نمودار ارائه نشده است.

(۲) جداول به هم پیوسته ارائه شده در صفحات ۱۰۳ الی ۱۱۱، فهرست کامل پروژه‌هایی که اصل چهار در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۷/۱۳۴۶-۱۳۲۹ در ایران اجرا کرد ارائه نمی‌دهد و مشخص نیست که طرح‌های شماره ۳۴، ۸۹، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۱ و... چه عناوینی داشته‌اند. ناگفته نماند که جمع‌بندی ارائه شده نیز کمی می‌باشد و صرفاً به شمارش طرح‌های اصل چهار محدود مانده است (۱۰۲).

(۳) اثر فاقد نمایه موضوعی و اعلام می‌باشد.

(۴) منابعی در متن استفاده شده‌اند که در فهرست منابع معرفی نگردیده‌اند. به عنوان مثال بنگرید به منبع شماره ۴۹، ۱۲۴، ۲۱،

....

(۵) پیوستگی ارجاع منابع در صفحات متعدد و عدم تفکیک شماره منابع مربوط به هر صفحه از صفحه‌ی بعدی، تسلسل زائندی را بوجود آورده که غیر معمول است.

(۶) روشن است که این اثر ارزشمند، ویراستاری نشده و اغلاط تایپی فراوان وجود دارد.

در پایان امیدوارم «بررسی نتیجه این وابستگی روزافزون و تأثیرات آن در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایران [که] نیازمند پژوهشی دیگر است» (۷۸ و ۷۹) در علوم اجتماعی ایران به عنوان اولویت‌های تحقیقی مدنظر قرار گیرد و نقد علوم اجتماعی بر پایه‌ی واقعیت‌ها و تجارب تاریخی به صورت غیرانتزاعی و کاربردی درآید، زیرا در غیر اینصورت

آنچه که در عمل اتفاق افتاد هر چند به صورت چالشی جدی در مسیر پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ادامه دارد اما فراگیر شدن نگرش غیربومی و تعمیم دیدگاه جرج فاستری به روستاییان اروپایی یعنی خیر محدود، به روستاییان ایرانی، قابل توجه و تأمل فراوان است. جایگزینی «خیر محدود» (Talib, 2008) بجای «خیر نامحدود» به معنای ترجیح مادی بر معنوی و اولویت دادن اقتصاد پولی نسبت به فرهنگ است. به این ترتیب، هسته‌ی اصلی و زاینده‌ی یاریگری ناشناخته می‌ماند و همسو با «تهضت تعاون در ایران» به عنوان یکی از اقدامات اصل چهار در ایران، همکاری‌هایی سنتی «غیر مستمر و موردی» (Ansari, 2009) شناخته و شناسانده می‌شوند. روند تغییرات جمعیتی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نیز مبین آن است که جمعیت آبادی‌های واقع در طبقات جمعیتی بین ۱ تا ۴۰۰ نفره، به شدت روند نزولی داشته است و اغلب آبادی‌های واقع در طبقات جمعیتی کمتر از ۱۰۰۰ نفر، مهاجر فرست بوده‌اند. تأکید بر این نکته ضروری است که ۵۲ درصد از اراضی کشاورزی جامعه روستایی کشور، در محدوده عرفی و قانونی روستاهای کوچک و با جمعیتی کمتر از ۱۰۰۰ خانوار قرار دارد و چنانچه روند نوسازی قطبی شده و نامتوازن روستایی تداوم یابد، هم روند قهقراپی عمقی شدن کشت به کاهش شدید تولیدات کشاورزی منجر خواهد شد و هم روند مهاجر فرستی این گونه روستاها، شتاب بیشتری خواهد گرفت (Ebrahimipur, 2005). این وضعیت، معلول زمینه‌های فراهم شده در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است. «در طی دو دهه قبل از انقلاب اسلامی، چهار و نیم میلیون به نان‌آوران (تولیدکنندگان غذا) جامعه ما و ده میلیون به مصرف‌کنندگان کشور اضافه شده است (Farhadi, 2011). آیا این تغییرات اساسی در شیوه‌ی زندگی و تغییر در جهت‌گیری، از تولیدی بودن به مصرف‌گرایی نمی‌تواند موفقیت «الگوهای اداری و اجتماعی آمریکایی» (۱۸۷) را - که خانم همراز به صورت گذرا مطرح کرده‌اند - نشان دهد؟ ناگفته نماند که ایشان اشاره‌ای بسیار گذرا به «پایداری ساختارهای کهن اجتماعی» (۱۲۰) به عنوان عامل تضعیف‌کننده‌ی جامعه‌ی ایران دارند که نشان دهنده‌ی عدم طرح جدی موضوع می‌باشد. آخرین نکته‌ی قابل ذکر در مورد محتوای اثر، طرح بازتاب حضور اصل چهار در ایران به صورتی بسیار گذرا و فشرده است. فقدان تقسیم‌بندی فراز و فرودهای برخورد ایرانیان با اصل چهار و عدم تحلیل مشارکت سیاسی ایرانیان در این دوران، قابلیت کاربردی این فصل را تا حد زیادی کاهش داده است، در حالی که این فصل می‌توانست به عنوان یکی از فصول مهم اثر دارای تیتروهای متنوعی باشد که مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی ایرانیان را نه از لحاظ نظر و در چارچوب غالب رفتارگرایانه بلکه بر اساس تجارب واقعی و عینی، معرفی نماید تا زمینه‌ی پردازش نظری آن نیز فراهم

توصیف امثال نویسندۀ فرانسوی^۵ از «کمک» فهمیده نخواهد شد. وی می‌نویسد: همان کلمه «کمک» گلویم را می‌فشارد. به عوض این که از «کمک» صحبت کنند، باید هدف خود را قطع استنثار و چپاول جهان سوم قرار دهند (Elahi, 1994). مهم آن است که بجای نقدهای فلسفی و انتزاعی، با نگرش جامعه‌شناختی شیوه و الگوی عملیات تغییر اجتماعی شناسایی شود و نقش هر یک از عوامل داخلی و خارجی به درستی مشخص گردد.

تشکر و قدردانی

این مقاله حامی مالی نداشته است.

۵- رنه دومون

References

- Almond, Gabriel, G. Bingham Powell Jr., Robert J., Monte (2002), the theoretical framework for policy, Translated by Alireza Tayyeb. Tehran: State Management Training Center.
- Ambrose, Stephen (1989), the domination (History of America's foreign policy from 1938 to 1983). Translated by Ahmad T., Tehran: publication, Third Edition.
- Ansari, H. (2009), [Principles of Cooperation(Persian)]. Tehran: PNU, seventeenth edition.
- Azad Armaki, T. (2008), [Sociology of culture(Persian)]. Tehran: Publication ELM.
- Badie, Bertrand (1997), political development. Translated by Ahmad Naghibzadeh, Tehran: Publication Ghomes.
- Ebrahimipur, M. (2005), [Change the rural population of Iran and its relationship with development initiatives in the past few decades(Persian)]. Journal - Research Faculty of Literature and Humanities University of Teacher Education (Special Edition of Social Sciences 2), in Issue 50 V51, 123-89.
- Elahi, H. (1994), [Foreign aid for development or against development(Persian)]. -Research Journal of Law and Political Science Faculty of Tehran University, No. 32, 164-149.
- Farhadi, M. (2011), [Severe decline of Village and wrong Bed Iranian city (lowering the cultural and maximizers consumer culture in Iran) (Persian)], Journal - Research studies of anthropology, first year, No. 2, 28-7.
- Farhadi, M. (2009), [Anthropology of YARIGARI (Persian)]. Tehran: Sales.
- Farhadi, M. (1997), [Industry over the tradition or against it(Persian)]. Journal - cultural research (Social Sciences(Persian)), Issue second and third, consecutive 22 and 23, 21-1.
- Ghaem Maghami, Linda Wales (2000), [To accelerate the nationalization of the oil industry; Max Tvrbng and broke through the private sector's development plan 1951-1947(Persian)]. Quarterly dialogue, No. 27, 71-31.
- Grenville, John (1998), History of the world in Twentieth Century. Translated by Jamshid Shirazi, Fazlullah, Ali Asghar B. Begay, Tehran: Farzan.
- Hamraz, Vida (2002), [Review objectives and performance Truman's Point Four (economic faculty of America in Iran) (Persian)]. Tehran: Publications Center of the Ministry of Foreign Affairs, the documents and diplomatic history.
- Interview with author of the Morteza Farhadi 22 / Feb / 2013.
- Hunt, Emery kAy, (1980), The Evolution of Economic Institutions and Ideologies(Persian) translated by Sohrab Behdad, Tehran: Sherkat Sahami Ketabhaye Jeibi.
- Karbassian, A. (1999), [An Analysis of the results of the implementation Truman's Point Four(Persian)]. Monthly Report, No. 107, 72-64.
- Khani, Ali Abdullah (2007), [Soft War 3 (Battle in the Information Age) (Persian)]. Tehran: Iran's Cultural Institute of Contemporary Abrar International Studies.
- Lerner, Daniel (2004), Passing traditional society (modernization of the Middle East). Translated by Gholamreza Khajeh sarvi, Tehran: Center for Strategic Studies.
- McLeod, dice. H. (1998), Planned in Iran (based on the experiences of the consulting group at Harvard University in Iran). Translated by Ali Azam Mohammad Begay, Tehran: Ney publications.
- Othens, Dieter (2005), the world industry: the emergence and development of industrial societies (Volume I: raising and developing the industry). Shahla translation of Azaz, Tehran University Publishing Center.
- Orkad, Bernard (2000), [changes in the urban fabric in Iran(Persian)], Iran and Modernity (Ramin Jahanbegloo talks with Iranian and foreign researchers in the field of Iranian confrontation with the achievements of the modern world). Tehran: Publication of GOETAR.
- POjAy, Gianfranco (1998), the development of the modern state (income sociological). Translation Behzadbashi, Tehran: Agah Publishing Institute.
- Qavam, Syed Abdul (2010), [Policy Studies: Foundations of Politics(Persian)]. Tehran: samt.
- Qlfy, Mahmoud Vahid (2000), [The Parliament and modernization in Iran (1932-1923) (Persian)]. Tehran: Ney publications.
- Rush, Michael (1998), Society and Politics (Introduction to Political Sociology). Translation Manouchehr sabori, Tehran samt.
- Sardar, Ziauddin (2008), East of. Translated by Mohammad Ali Ghasemi, Tehran: Center for Social and Cultural Studies.
- Sardar, Ziauddin (2009), Culture, Translated by Zohreh heydayati (beed hendi). Tehran: Pardis knowledge, research and publishing firm binding.
- Seif Zadeh, Seyyed Hossein (2000), [Theorizing in International Relations (Principles and intellectual forms)(Persian)]. Tehran: samt, second edition.
- [Truman's Point Four documents on Iran (1967-1946 AD. P) and set(Persian)]. Prepared: Presidential Documentation Center, the efforts of Timor-Bashir dome, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Toheidfam, M. (2002), [State and Democracy in the Age of Globalization (theories of state and democracy(Persian)]. Tehran: rozaneh Publishing.
- Talib Mahdi and Musa Anbari (2008), [Rural Sociology (dimensions of change and development in the rural community) (Persian)]. Tehran: Institute of Tehran University Press, second edition.